

لِسلی ۱. وایت

تکامل فرهنگ

پیشرفت تمدن
تاسقوط روم

ترجمه فریبرز مجیدی



تکامل فرهنگ

پیشرفت تمدن تا سقوط روم

لسلی ا. وایت

ترجمه: فریبرز مجیدی

انتشارات نسل آفتاب



انتشارات نسل آفتاب

دفتر انتشارات: خیابان انقلاب، خ فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۱۴، طبقه دوم، واحد ۳، تلفن: ۷ - ۶۶۹۷۷۹۶۴



www.sababook.com

■ تکامل فرهنگ

- ♦ مؤلف: لسلی ا. وایت
- ♦ مترجم: فریبرز مجیدی
- ♦ چاپ و صحافی: عاج
- ♦ ناشر: نسل آفتاب
- ♦ قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان
- ♦ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- ♦ شابک: ۶-۳۷-۵۸۴۷-۶۰۰-۹۷۸-۱۳۹۴
- ♦ چاپ اول: ۱۳۹۴
- ♦ طراحی و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک نسل آفتاب
- ♦ کلیه حقوق برای حمیدرضا ممدوح محفوظ می‌باشد.

سرشناسه	: وایت، لسلی، ۱۹۰۰ - ۱۹۷۵ م. White, Leslie A.
عنوان و نام پدیدآور	: تکامل فرهنگ: پیشرفت تمدن تا سقوط روم / لسلی ا. وایت: ترجمه فریبرز مجیدی.
مشخصات نشر	: تهران: نسل آفتاب.
مشخصات ظاهری	: ۶۸۸ ص.
شابک	: 978-600-5847-37-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The evolution of culture: The development of civilization to fall of rome
یادداشت	: چاپ دوم.
یادداشت	: چاپ قبلی: نشر دشتستان، ۱۳۷۹.
عنوان دیگر	: پیشرفت تمدن تا سقوط روم.
موضوع	: تمدن باستان
شناسه افزوده	: مجیدی، فریبرز، ۱۳۱۹ - . مترجم
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۹ و ۳۱۱/۸ CB
رده بندی دیویی	: ۹۰۱/۰۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۵۱۲۲۲

فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۱۵	دیی‌اچه
۲۰	یادداشت‌ها

بخش اول: فرهنگ ابتدایی

۲۳	۱: انسان و فرهنگ
۴۸	تکنولوژی: شالوده و عامل تعیین‌کننده نظام‌های فرهنگی
۶۳	علم فرهنگ
۷۰	یادداشت‌ها
۷۵	۲: نیرو و ابزار
۱۱۱	یادداشت‌ها
۱۱۷	۳: ماهیت سازمان اجتماعی
۱۳۵	یادداشت‌ها
۱۳۷	۴: گذر از جامعه انسان‌نماها به جامعه انسانی
۱۸۶	یادداشت‌ها
۱۹۱	۵: برون‌همسری و درون‌همسری
۲۱۶	یادداشت‌ها
۲۱۹	۶: خویشاوندی

۲۵۷	یادداشت‌ها
۲۵۹	۷: ساختار، کارکرد و تکامل نظام‌های اجتماعی انسانی
۳۶۱	یادداشت‌ها
۳۶۷	۸: یگانگی، نظم، و کنترل نظام‌های اجتماعی
۴۱۹	یادداشت‌ها
۴۲۳	۹: سازمان اقتصادی جامعه ابتدایی
۴۶۱	یادداشت‌ها
۴۶۵	۱۰: فلسفه: اسطوره و معارف عامه
۴۸۹	یادداشت‌ها
۴۹۱	۱۱: فرهنگ ابتدایی در نگاهی کلی
۴۹۷	یادداشت‌ها

بخش دوم: انقلاب کشاورزی و پیامدهای آن

۵۰۱	۱۲: انقلاب کشاورزی
۵۳۶	یادداشت‌ها
۵۳۹	۱۳: دولت - کلیسا: صورت‌ها و کارکردهای آن
۵۷۷	یادداشت‌ها
۵۸۱	۱۴: ساختار اقتصادی فرهنگ‌های پیشرفته
۶۲۰	یادداشت‌ها
۶۲۳	۱۵: الهیات و علم
۶۴۴	یادداشت‌ها
۶۴۵	۱۶: خلاصه
۶۵۲	یادداشت‌ها
۶۵۳	واژه‌نامه
۶۶۹	نمایه

پیشگفتار مترجم

فرهنگ انسان - مثل هر پدیده دیگر در جهان هستی - بر بنیاد قانونمندی‌های خاص خود، مسیر طولانی تکاملی را پیموده است که پژوهشگران تاریخ تمدن انسان از شناخت این قانونمندی‌ها گزیری ندارند. اگرچه سیر تحول فرهنگ در نواحی گوناگون جهان بستگی تام با شیوه زیست، شرایط اقلیمی، و سایر تکیه‌گاه‌های مادی و معنوی موجود در آن نواحی داشته است، اما هرگاه فرهنگ انسانی در کلیتش نگریسته شود قوانین مشترکی استنتاج می‌گردد که تبیین کل فرهنگ انسان - صرف نظر از گوناگونی‌ها و ویژگی‌های محلی - به مدد آن‌ها امکان‌پذیر است.

هنگامی که سخن از فرهنگ می‌رود، همه نمونه‌های مادی و معنوی زندگی آدمی - اقتصاد، خانواده، دین، علم، هنر، معتقدات... - مورد نظرند. فرهنگ‌شناس، به کمک شناخت اشیاء و اسناد بازمانده از دوره‌های تاریخی و دوره‌های ماقبل تاریخ، و با تکیه بر فرضیه‌های علمی به منظور ایجاد ارتباط میان این بازمانده‌ها، و استنتاج قوانین درست در جهت توجیه هر پدیده انسانی، تلاش می‌کند که تغییرات و تحولات این پدیده‌ها را بر بنیاد ضابطه‌های علمی توضیح دهد، و تلاش نهایی وی این است که به کلی‌ترین قوانین جاری بر سیر کلی فرهنگ دست یابد.

بسیار اندک است تعداد فرهنگ‌شناسانی که نه بر پایه پذیرش قبلی یک طرز فکر یا پیشداوری، بلکه صرفاً براساس مطالعه حقایق و رویدادهای زندگی تاریخی انسان به قوانین خاصی در حوزه فرهنگ رسیده باشند. اختلاف نتیجه‌گیری‌های فرهنگ‌شناسان از پدیده‌ای واحد جز ناشی از اختلاف جهان‌بینی و نوع تفکر قبلی آنان نتواند بود.

از سوی دیگر، نظریه‌پرداز علوم انسانی استنتاج‌هایش را بر بنیاد فرضی پیشین آغاز می‌کند، و در ضمن پژوهش‌های بعدی خود باید صحت آن فرض را به اثبات رساند. نقطه آغاز کار نویسنده کتاب حاضر این است که «انسان حیوانی است نمادساز»؛ و این نقطه آغاز، نتیجه‌گیری او نیز هست. اما قضاوت درباره اینکه مؤلف در ضمن تحقیق راجع به رویدادهای فرهنگی تا چه حد ذهنش را از شر پیشداوری‌ها به دور داشته و تا چه حد به شرافت و صداقت علمی پای‌بند بوده است با دیگران است.

آثار پیشگام کلاسیک، که در آن‌ها اندیشه تازه‌ای در حد کمال مطرح شده باشد، به سرعت و به آسانی کهنه نمی‌شوند. مهم‌تر از همه، اگر قرار باشد که کسی اندیشه و سخن تازه‌ای مطرح کند، باید با آثار و اندیشه‌های بنیادین کلاسیک آشنا باشد، چنان که فیلسوفان معاصر بدون آشنایی با آثار و افکار افلاطون و کانت و نیچه نمی‌توانستند به تنظیم دقیق اندیشه‌های فلسفی خود توفیق یابند، و خلاقیت در زمینه ادبیات و هنرهای جدید نیز بدون آگاهی از ارزش‌های ادبیات و هنرهای کهن و کلاسیک امری است تقریباً بعید، و شاید محال.

کتاب *تکامل فرهنگ*، که ترجمه فارسی آن اکنون در دسترس خوانندگان قرار دارد، نخستین بار در سال ۱۹۵۹ میلادی انتشار یافت. به همین سبب ممکن است خواننده، به دلیل قدیمی بودن نسبی اثر، اطمینان خاطر خود را در مورد صحت نظریه‌های نویسنده از دست بدهد و خواستار اثری جدیدتر در زمینه این نظریه‌ها باشد. مترجم نیز قبلاً به همین نظر معتقد بود، ولی از سال‌ها پیش که تصمیم به ترجمه این اثر گرفت در تفحص و

تجسس بود که چنانچه اثر جدیدتر و کامل‌تری در این مورد انتشار یافته باشد به ترجمه آن همت گمارد، اما هرگز کتابی به جامعیت این اثر، که فراخنای گسترده‌ای از تاریخ تمدن بشر و سیر تحول فرهنگ را پژوهیده است، نیافت.

مؤلف کتاب مضمون تازه‌ای در نوشته‌های مربوط به انسان‌شناسی مطرح کرده و آن عبارت است از مفهوم «تکامل»، که خواننده فارسی زبان تاکنون کتابی اساسی از این دیدگاه برای تحلیل و تفسیر تمدن و فرهنگ آدمی را در اختیار نداشته است. بنابراین کتاب حاضر، که به عنوان متنی کلاسیک و بدیع مفهوم «تکامل» را در انسان‌شناسی وارد کرده است، شالوده فهم نظریه‌های جدیدتری است که کسان دیگر در آثار خود پرورانده‌اند. به عقیده منتقدان نظریه‌های انسان‌شناسی، کتاب حاضر و نظریات وایت مهم‌ترین کار در انسان‌شناسی، به ویژه در دفاع از مفهوم «تکامل»، در قرن بیستم تا دهه ۱۹۷۰ میلادی بوده است. کسانی که بعداً در این مورد کارهای مهم کرده‌اند اکثر شاگردان او بوده‌اند و به هر حال در رابطه با نظریات او موضع جدید گرفته‌اند.

نکته دیگری که، اختصاصاً در این مورد، دلیل مربوط به کهنگی اثر را نامعتبر می‌سازد مضمون این اثر است. کتاب، در واقع، یک دوره کامل درس انسان‌شناسی است که نویسنده در آن سیر پیشرفت را از حدود یک میلیون سال پیش، مرحله به مرحله، با بیانی روشن، و با ذکر منابع و مآخذ متعدد معتبر، برای خواننده شرح می‌دهد و روابط فرهنگ با عناصر و عوامل گوناگون را باز می‌گوید. در میان انسان‌شناسان قرن بیستم هیچ پژوهشگر دیگری نتوانسته است سیر تحول یک میلیون سال فرهنگ انسان و پدیده‌های وابسته به آن را، از دیدگاه تکامل‌گرایی، با روشنی و سادگی هرچه تمام‌تر در معرض داوری خواننده قرار دهد. موضوع تحقیق این کتاب روزگاران گذشته‌ای است که هرگز در حیطه مشاهده و تحقیق عینی و تجربی قرار نمی‌گیرد، و معلوم نیست

که استنتاج‌های پژوهشگران جدیدتر درباره این مسئله کهن تاریخی از استنتاج‌های نویسنده حاضر منطقی‌تر و علمی‌تر باشند.

مؤلف کتاب *تکامل فرهنگ*، لسلی الوین وایت^۱، در ۱۹ ژانویه ۱۹۰۰ در شهر سالایدا^۲ واقع در ایالت کالورادو^۳ متولد شد. پدرش مساحی تقریباً سیار و گاه کشاورزی اجاره‌نشین بود. لسلی بیشترین بخش از دوره کودکی‌اش را در قسمت‌های روستایی کانزاس^۴ و لوئیزیانا^۵ گذراند. پس از خدمت در نیروی دریایی ایالات متحد، وارد دانشگاه ایالتی لوئیزیانا شد. اما دو سال بعد به دانشگاه کولامبیا^۶ انتقال یافت؛ از این دانشگاه در سال ۱۹۲۳ مدرک لیسانس، و در ۱۹۲۴ مدرک فوق لیسانس در روان‌شناسی گرفت. در این دانشگاه به تحصیل در رشته انسان‌شناسی پرداخت؛ تجربه‌های فکری وی در این زمینه، به گفته خود او، در «مدرسه جدید پژوهش اجتماعی» پرورده شدند. او در این مدرسه آموختن دوره‌های دروسی را آغاز کرد که استادانی چون الگزاندر گولدن وایزر^۷، ویلیام اتامس^۸، تورستاین وبلن^۹، و جان ب. واتسن^{۱۰} در آن‌ها تدریس می‌کردند. در ۱۹۲۳-۱۹۲۴، که دانشجوی روان‌شناسی بود، مقاله‌ای نوشت با عنوان «شخصیت و فرهنگ»، که فوراً به چاپ رسید، و در آن از کاربرد مهم فرهنگ به عنوان یکی از متغیرها در تحقیقات روانی طرفداری کرد. در ۱۹۲۴ تصمیم گرفت که جامعه‌شناسی را زمینه کار و زندگی علمی خود قرار دهد؛ از این رو به دانشکده مربوط به این رشته در دانشگاه شیکاگو^{۱۱} انتقال یافت. در این دانشکده، جامعه‌شناسی شامل انسان‌شناسی می‌شد، و وایت هر قدر که دوره‌های تابستانی را به صورت عملی در میان سرخ‌پوستان کِرسی^{۱۲} در نیومکزیکو^{۱۳} می‌گذراند، خود را بیشتر از پیش علاقه‌مند به قوم‌شناسی می‌یافت.

1. Leslie Alvin White

3. Colorado

5. Louisiana

7. Alexander Goldenweiser

9. Thorstein Veblen

11. Chicago

13. New Mexico

2. Salida

4. Kansas

6. Colombia

8. William A. Thomas

10. John B. Watson

12. Keresan

اولین شغل او در «موزه علم» بافلو^۱ و دانشگاه بافلو در سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ بود. نزدیکی این مکان به محل سکونت سرخ‌پوستان سنکا^۲، وی را سخت به این مردم و به نخستین قوم‌نگاری که درباره آنان تحقیق کرده بود — یعنی لوئیس ه. مورگان^۳ — علاقه‌مند ساخت. وایت به سرعت متقاعد شد که انسان‌شناسی معاصر در حق مورگان، به ویژه نظریه تکامل‌گرایی وی، با انصاف رفتار نکرده است، و سال‌های بعد مدتی طولانی بر سر مجموعه بزرگ مدارک خصوصی‌ای که مورگان گرد آورده بود کار کرد، و در همان زمان به پژوهش‌های عملی و میدانی خود در نیومکزیکو ادامه داد. در سال ۱۹۳۰ به عنوان جانشین جولین ه. استیونرد^۴ به دانشگاه میشیگان^۵ منتقل شد و تا سال ۱۹۷۰ که بازنشسته شد در آنجا تدریس کرد. در ۱۹۳۱ با مری پتیسن^۶، که سابقاً در دانشگاه بافلو شاگرد او بود، پیوند زناشویی بست.

وایت در سال ۱۹۵۲ دکتری افتخاری در علوم از دانشگاه بافلو، و در ۱۹۷۰ دکتری افتخاری در حقوق از دانشگاه کالورادو دریافت کرد. جایزه سالانه مربوط به «خدمات ارزشمند»، که هیئت علمی دانشگاه میشیگان به تصویب رسانده بود، در ۱۹۵۷ (اولین سال تصویب) به او اعطا شد. در ۱۹۵۹ مدال بنیاد وینر-گرن^۷ را دریافت کرد. در ۱۹۵۸ معاون «انجمن امریکایی برای پیشبرد علم» بود، و در ۱۹۶۴ رئیس انجمن انسان‌شناسی امریکا شد. در دانشگاه ینچین^۸ (پکن)، ییل^۹، هاروارد^{۱۰}، کالیفرنیا^{۱۱} در برکلی^{۱۲}، رایس^{۱۳}، سن فرنیسکو^{۱۴}، و کالیفرنیا در سنتا باربارا^{۱۵} به عنوان استاد میهمان خدمت کرد.

1. Buffalo
3. Lewis H. Morgan
5. Michigan
7. Wener- Gren
9. Yale
11. Califortnia
13. Rice
15. Santa Barbara

2. Seneca
4. Julian H. Steward
6. Mary Pattison
8. Yenchin
10. Harvard
12. Berkekey
14. San ferancisco

ممتازترین افتخار معنوی که به وایت تعلق گرفت امتیازی غیر دانشگاهی بود که در ۱۹۴۷ قبل از «عصر تلویزیون» نصیب وایت شد. در آن سال، وی در مقام نماینده رشته علوم اجتماعی برای شرکت در مجموعه‌ای رادیویی زیر عنوان *دانشمندان سخن می‌گویند* برگزیده شد. بعد از ظهر یکشنبه هر هفته در فاصله کنسرت‌های انجمن فیلارمونیک نیویورک، که از تالار کارنگی^۱ پخش می‌شد، هر دانشمندی در رشته تخصصی خود مطالب عمومی مهمی را عنوان می‌کرد. سخنرانی درخشان وایت با عنوان «نیرو (انرژی) و پیشرفت تمدن» با استقبال عمومی مواجه شد و در نشریه‌های گوناگون، حتی در *Time Magazin*، به چاپ رسید.

وایت، به رغم آنکه سال‌ها بیمار بود، جز در مدت کوتاهی که در بیمارستان بستری شد، پیوسته در دفتر کارش به پژوهش و نگارش اشتغال داشت. چندبار دچار سکنه‌های خفیف شد، و سرانجام در ۳۱ مارس ۱۹۷۵ در اثر حمله‌ای قلبی در کالیفرنیا درگذشت. از او در حدود سیصد اثر - اعم از کتاب، مقاله، نقد، بررسی، و سخنرانی چاپ شده - برجا مانده است.

بیشترین وقت و تلاش وایت در کار علمی صرف پژوهش‌های میدانی و تحقیق در کتابخانه می‌شد؛ نتیجه این زحمات تهیه پنج تک‌نگاشت در زمینه قوم‌شناسی بود. او در پژوهش‌های عملی و تقویت مبانی نظری به نحو یکسان و متعادل پیش می‌رفت: عمل و نظر را لازم و ملزوم و مکمل یکدیگر می‌دانست. اعتراض وی به مکتب انسان‌شناسی بوئاس^۲ این نبود که چرا هواداران این مکتب به کارهای میدانی و توصیفی می‌پردازند بلکه اعتراضش به فقدان نظریه‌ای فرهنگی در این مکتب و منفی‌بافی هواداران در برابر چنین نظریه‌ای بود. جرئت و جسارت وایت در انتقاد از نظریه‌های انسان‌شناختی بوئاس، اگر چه امواج مخالفت‌هایی را بر ضد وی برانگیخت، تأثیرات فکری عمیقی بر انبوه دانشجویان رشته‌های گوناگونی چون ادبیات انگلیسی، روزنامه‌نگاری، فلسفه، و تاریخ بر جای نهاد. دوره دروس

1. Carengi

2. Franz Boas

«فرهنگ‌شناسی» و «ذهن انسان ابتدایی» او را در میان روشنفکران دانشگاه‌های مختلف بسیار مشهور ساخت، و همین امر سبب شد که به عنوان سخنران به باشگاه‌ها و سازمان‌های روشنفکری متعدد دعوت شود. او وقت و نیروی خود را با رغبت و به رایگان در این مجامع صرف می‌کرد و برای تهیه هر سخنرانی، مثل همیشه، سنگ تمام می‌گذاشت.

وایت بنیادگذار «فرهنگ‌شناسی» و «نظریه تکاملی» بود، اما خوش نداشت که با چایلد^۱ و استیوئرد در یک گروه سه نفره به عنوان «نو تکامل‌گرایان» طبقه‌بندی شود، زیرا میان نوشته‌های خود و نوشته‌های ایشان شباهتی نمی‌دید و مکرراً تأکید می‌کرد که طرز فکر او درباره تکامل به هیچ وجه «نو» نیست و در اصل با آنچه در کتاب *انسان‌شناسی* تایلر^۲ در سال ۱۸۸۱ بیان شده است ذره‌ای فرق ندارد. بیشترین شهرت و اعتبار وایت در محافل جهان وابسته به این بود که وی با شهادت هرچه تمام‌تر از نظریه تکامل سده نوزدهم - که هربرت اسپنسر^۳، لوئیس مورگان، و ادوارد تایلر پرورانده بودند - دفاع می‌کرد و با موضع منفی‌ای که انسان‌شناسی امریکایی در برابر آن میراث مهم و گرانقدر اتخاذ کرده بود به مخالفت برمی‌خاست. اگرچه انسان‌شناسان وایت را بیشتر به مناسبت هواداری دلیرانه‌اش از نظریه «تکامل فرهنگ» می‌شناسند، اما جنبه‌های دیگر کارها و آثار او، به ویژه توجهش به امور خارج از حوزه حرفه تخصصی‌اش، موجب جلب علاقه مردم به او شده است.

یکی از دلایل اینکه وایت زمانی به تحصیل در روان‌شناسی پرداخت، زمانی به جامعه‌شناسی گرایید، و سرانجام به انسان‌شناسی روی آورد آن بود که وی به شدت میل داشت به این نکته اساسی پی ببرد که چرا ملت‌ها بر طبق فرهنگ خویش رفتار می‌کنند. وایت با طرح نظریه‌اش در زمینه تکامل فرهنگ و انتقادش از نظام سرمایه‌داری بخشی از دولتمردان و کشیشان متحجر را ناراضی کرد، اما جامعه روشنفکری در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ تحت تأثیر ارزش‌های علمی جدیدی که وی مستقر ساخته بود قرار گرفت.

1. Childe

2. Edward Burnett Tylor

3. Herbert Spencer

از آنجا که دانشجویان و پژوهشگران رشتهٔ انسان‌شناسی در ایران نیاز دارند که با انواع نظریه‌ها به صورت تاریخی در زمینهٔ سیر تحول فرهنگ و تمدن آشنا شوند، بر مترجمان گرامی است که زبده‌ترین آثار پیشگامان این رشته‌ها را در اختیار آنان قرار دهند تا بتوان از پیشینه‌های تمدن و فرهنگ برای بنا کردن فرهنگ و تمدنی که زیندهٔ انسان باشد یاری گرفت. امروز، که به ویژه نیاز به جدال اندیشه‌ها و همزیستی فرهنگ‌ها بیشتر از هر زمان دیگری در سطح جهان احساس می‌شود، شرکت نشر نسل آفتاب گام نهادن در عرصهٔ خدمات فرهنگی را وجههٔ همت خود ساخته است، و بنابراین نشر چنین اثری را به عنوان نشانه‌ای از خلوص و دانش دوستی دست اندرکاران این مؤسسه به فال نیک می‌گیریم.

تذکر: خواننده در سراسر متن کتاب به دو نوع شماره برمی‌خورد: یک دسته شماره‌های ساده، مربوط به اصطلاحات علمی و فنی تخصصی یا نام‌های خاص یا توضیحات مترجم، که در حاشیهٔ زیر همان صفحه ذکر شده‌اند؛ و دستهٔ دیگر شماره‌هایی در داخل [کروشه]، که به ارجاعات مربوط می‌شوند. همهٔ ارجاعات هر فصل در پایان همان فصل یکجا گردآوری شده‌اند و خواننده برای آگاهی از منابع و توضیحات نویسنده می‌تواند زیر همان شماره به پایان فصل مربوط رجوع کند.

دیباچه

ما در این اثر به عرضه و اثباتِ نظریه‌ای دربارهٔ تکامل فرهنگ از زمانِ برآمدن آن در عصر انسان‌نماها تا روزگار نسبتاً جدید خواهیم پرداخت.

بخش اعظم انسان‌شناسی فرهنگی^۱ در سه یا چهار دههٔ آخر سدهٔ نوزدهم از نظریهٔ تکامل فرهنگی الهام گرفته بود و زیر نفوذ آن قرار داشت. تکامل، به گفتهٔ پیشگام بزرگ انگلیسی، ادوارد برنت تایلر، «اصل بزرگی است که هر دانشوری، هرگاه بخواهد که جهان زیستگاهِ خویش و تاریخ گذشته را بشناسد، باید آن را بنیاد اندیشهٔ خود قرار دهد.» [۱] نظریهٔ تکامل فرهنگی عبارت بود از پاسخِ علم به این پرسش که «چگونه باید تمدن‌ها یا فرهنگ‌های جهان را تبیین کرد؟» و علم این پرسش را بدان منظور طرح کرد که جای نظریهٔ آفرینش در دستگاه الهیات یهودی - مسیحی را بگیرد.

نظریهٔ تکامل فرهنگی در دهه‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۰ از توفیق فراوان در انگلستان و ایالات متحد برخوردار بود. اما در سال‌های پایانی سدهٔ نوزدهم، واکنشی بر ضد تکامل‌گرایی^۲ هم در آمریکا و هم در آلمان روی داد. رهبری حملهٔ آمریکا بر تکامل‌گرایی فرهنگی را فرانتس بوئاس (۱۸۵۸-۱۹۴۲)، زاده،

پرورده، و دانش آموخته آلمان) برعهده داشت، که به مدت یک چهارم قرن به تفکر انسان‌شناختی در ایالات متحد حکومت می‌کرد. هواداران گوناگون بوناس نه تنها دشمن نظریه‌های لوئیس ه. مورگان، هربرت اسپنسر، یا دیگران بودند، بلکه با هرگونه نظریه تکامل سرستیز داشتند. [۲] این نگرش ارتجاعی در پی نوشتن ستایش‌نامه برتولت لاورفر^۱ بر کتابی به قلم رابرت ه. لووی^۲، مخالف سرسخت تکامل‌گرایی، به نمایان‌ترین وجه بروز کرد. به گفته لاورفر، «نظریه تکامل فرهنگی، به عقیده من، پوچ‌ترین، سترون‌ترین، و زیانبارترین نظریه‌ای [است] که تاکنون در تاریخ علم به ظهور رسیده است.» [۳] ویلیام جینگز برایان^۳ نمی‌توانسته است چیزی بیش از این گفته باشد.

در آلمان، در میان گروهی از دانش‌پژوهان — فریدریش راتسل^۴، برنهارت آنکرمان^۵، لئو فروبنیوس^۶، و فریتس گرینر^۷ — تفسیری ناتکامل‌گرا^۸ رایج شد؛ در میان اینان، گرینر نقش رهبری را داشت. تفسیر آنان نوعی تفسیر تاریخی، و به اصطلاح Kulturkreislehre (آموزه حلقه فرهنگی)، بود، که از چندین لحاظ دیدگاهی کاملاً غیر تکامل‌گرا به شمار می‌رفت. اما این نظریه از جهاتی ناگزیر بود که با تکامل‌گرایی در چند نکته ابراز مخالفت کند؛ مثلاً استدلال می‌کرد که همانندی‌های فرهنگ‌ها در ناحیه‌های دور از هم، بیش از آنچه به سیر تحول مستقل هر یک از آن‌ها بستگی داشته باشد، مربوط به نفوذ یا تراوش فرهنگ‌ها در یکدیگر است، و چنین تفسیری از این لحاظ ضد تکامل‌گرایی یا تکامل‌ستیز^۹ بود.

مکتب آلمانی معتقد به تراوش‌گرایی^{۱۰} گرینر سرانجام به دست یکی از

1. Berthold Laufer

2. Robert H. Lowie

۳. William Jennings Bryan (۱۸۶۰-۱۹۲۵) سیاست‌پیشه آمریکایی و یکی از رهبران حزب دموکرات که با نظریه تکامل داروین مخالف بود، و در تعقیب و محاکمه معلمی که در امریکا داروینیسم را تدریس می‌کرد نقش عمده‌ای داشت. (مترجم)

4. Friedrich Ratzel

5. Bernhard Ankermann

6. Leo Frobenius

7. Firtz Graebner

8. nonevolutionist

9. antievolutionist

10. diffusionism

کشیشان وابسته به کلیسای کاتولیک رُم، به نام پدر ویلهلم اشمیت^۱ (۱۸۶۸-۱۹۵۴)، افتاد و با دستیاری پدر ویلهلم کوپرس^۲ و همکاران روحانی آنان به صورت مکتب قوم‌شناسی متنفذی درآمد. همان گونه که گمان می‌رود، این انسان‌شناسان کشیش، هم در نگرش و هم در کردار، به شدت تکامل‌ستیز بوده‌اند.

در دهه [۴] ۱۹۳۰ یک مکتب قوم‌شناسی ناتکامل‌گرا، و گاهی تکامل‌ستیز، به نام مکتب کارکردگرایی^۳، به رهبری برونیسلاف مالینوفسکی^۴ و ا.د.د. رذکلیف براون^۵، در بریتانیا و ایالات متحد رواج یافت. «انسان‌شناسی اجتماعی»، یعنی نوع متداول تعبیر و تفسیر در بریتانیای امروزی (۱۹۵۸)، از حیث دیدگاه ناتکامل‌گراست.

تکامل‌ستیزی در دهه ۱۹۲۰ به اوج خود رسید، و بخش عظیمی از این دیدگاه هنوز هم پابرجاست. اما نشانه‌های گوناگونی وجود دارند که از بازگشت نظریه تکامل فرهنگی به صحنه حکایت می‌کنند. در خبرنگارانه انجمن انسان‌شناسی امریکا [۵] اظهار نظر شده است که در همایش سالانه انجمن در آلبوکرکی^۶، در دسامبر ۱۹۴۷، «برانگیخته شدن مجدد علاقه به موضوع تکامل فرهنگی... بسیار چشمگیر بود». از آن به بعد مقاله‌های متعددی منتشر شده‌اند که در آن‌ها نظریه تکامل فرهنگی از نو مورد بررسی قرار گرفته است. [۶] به تازگی، جولین هاکسلی^۷، به عادت همیشگی، نظریه تکامل را به صورت فرضیه‌ای عرضه کرده است که نیازی به دفاع از آن نیست، و آن را همان قدر به حوزه فرهنگ‌شناسی مرتبط می‌داند که به زیست‌شناسی، و عقیده به تکامل را برای پیشرفت فرهنگ‌شناسی امری ضروری می‌شمارد. [۷] به راستی شگفت‌انگیز - و، بیشتر، درک نکردنی - است اگر این نظریه، که در علوم زیستی تا بدین حد بنیادی، و در علوم

1. Wilhem Schmidt
3. functionalist school
5. Radcliffe-Brown
7. Julian Huxley

2. W.Koppers
4. Bronislaw Malinowsky
6. Albuquerque

فیزیکی چندان ثمربخش و روشنگر است که از آن در اخترشناسی و فیزیک، و در بسیاری از رشته‌های علوم اجتماعی، بیش از پیش استفاده می‌شود، نتواند مقامی در رشته انسان‌شناسی فرهنگی کسب کند.

نگارنده در دوره دانشجویی جذب آموزه‌های تکامل ستیزانه مکتب بوئاس شد. اما هنگامی که شروع به تدریس کرد، نخست، دریافت که قادر به دفاع از این دیدگاه نیست، و سپس پی برد که دیگر نمی‌تواند حتی به آن معتقد باشد. وی در زمان مناسب نظریه تکامل را در یک دوره درسی موسوم به «تکامل فرهنگ»، که سال‌های دراز در دانشگاه میشیگان به تدریس آن سرگرم بوده است، پرورده ساخت. [۸] نگارنده در مقاله‌های متعدد بر موضع فکری تکامل‌ستیزان حمله کرده است. [۹] اثر حاضر کوششی است برای عرضه تفسیر جدیدی از نظریه تکامل‌گرایانه‌ای که به نیمه سده بیستم مربوط می‌شود.

اما باید گفت، و با تأکید هم باید گفت، که نظریه‌ای را که در این کتاب عنوان شده است نمی‌توان بر طبق اصطلاح پیشنهادی لووی، گولدن وایزر^۱، بنیت^۲، نونومورا^۳ (در ژاپن)، و دیگران، «نوتکامل‌گرایی»^۴ نامید. [۱۰] نوتکامل‌گرایی اصطلاحی است گمراه کننده: از این اصطلاح استفاده شده است تا نشان داده شود که نظریه امروزی تکامل با نظریه هشتاد سال پیش تا اندازه‌ای تفاوت دارد. ما چنین تصویری را مردود می‌دانیم. نظریه تکامل، بدان گونه که در این کتاب مطرح شده است، با نظریه‌ای که در سال ۱۸۸۱ در کتاب *Anthropology* (انسان‌شناسی) تایلر عنوان شده بود هیچ تفاوتی ندارد، اگر چه نحوه پروراندن، بیان، و اثبات نظریه، مسلماً، از جهاتی با آن متفاوت است. «نولامارک‌گرایی»^۵، «نوافلاطون‌گرایی»^۶ و از این قبیل، اصطلاحاتی معتبرند، اما «نوتکامل‌گرایی»، «نوجاذبه‌گرایی»^۷، «نوفرسایش‌گرایی»^۸، و از این قبیل، چنین نیستند.

1. Goldenweiser
3. Nonumura
5. neolamarckism
7. Neogravitationism

2. Bennett
4. neoevolutonism
6. neoplantonism
8. neoerosionism

اگر چه انسان‌شناسان در زمینه کلی فرهنگ ادعاهایی می‌کنند، اندک است تعداد کسانی که در تمامی این حوزه به پژوهش پرداخته باشند. بیشتر متخصصان انسان‌شناسی فرهنگی آثارشان را محدود به بررسی فرهنگ‌های نانویسا (بدون خط)^۱ کرده‌اند؛ برخی فقط به فرهنگ‌های بزرگ شهری عصر مفرغ و عصر آهن پرداخته‌اند؛ ولی ما کسی را سراغ نداریم که به بررسی تمدن جدید باختر زمین کمر همت بسته باشد - اگرچه تنی چند با تحقیق‌های دسته‌جمعی زمینه‌هایی را به نام خود ثبت کرده‌اند. ما نیز به اجرای همین کار همت گماشته‌ایم. مجلد حاضر خواننده را تا زمان سقوط دولت روم پیش خواهد برد. در نظر داریم که این اثر را با تحقیق درباره «انقلاب سوختی»^۲ و پیامدهای نهادی آن دنبال کنیم. و سرانجام، امیدواریم که در جلد سوم این کتاب، به نام *Recent Trends and Future Probabilities: 1958-2058* (جریان‌های تازه و احتمال‌های آینده: ۱۹۵۸-۲۰۵۸)، منحنی یک میلیون سال پیشرفت فرهنگی را با رعایت احتیاط و به صورتی محدود به دست دهیم.*

1. nonliterate

2. fuel Revolution

* نویسنده در اینجا، حدود نیم صفحه، از اشخاص و سازمان‌هایی که او را در آماده ساختن و تهیه کتاب یاری و تشویق کرده‌اند سپاس‌گزاری کرده است، که به دلیل اختصاصی بودن مطلب از ترجمه آن خودداری می‌کنیم. (مترجم).

یادداشت‌ها

1. E.B.Tylor, *Anthropology*, 1881, P.20.
۲. بر سر این گفته جرّ و بحث‌هایی درگرفته است. برای آگاهی از شواهدی که مؤید این نکته‌اند، بنگرید به
 Leslie A.White, «Evolutionism in Cultural Anthropology: A Rejoinder», *American Anthropologist*, vol. 49, pp.402-404, 1947.
3. B.Laufer, review of Lowie's *Culture and Ethnology* in *American Anthropologist*, vol.20, p.90, 1918.
4. «Catholic Anthropologists and Evolution», in White, *op.cit.*, pp.408-410.
5. Vol.2, no.1, p.2, February, 1948.
6. Melville Jacobs, «Further Comments on Evolutionism in Cultural Anthropology», *American Anthropologist*, vol.50, pp.564-568, 1948; A.Adamson Hoebel, «Evolution», *Man in the Primitive World*, 1958; Alexander Lesser, «Evoluton in Social Anthropology», *South Western Journal of Anthropology*, vol.8, pp.134-146, 1952; Julian H.Steward, «Evolution and Process», in *Anthropology Today*, A.L.Kroeber(ed.), 1953, pp.313-326, and various essays in his *Theory of Culture Change*, 1955. In Great Britain, V.Gordon Childe has published *Social Evolution*, 1951.
7. «Evolution: Biological and Cultural», the editorial of the first *Yearbook of Anthropology*, vol.1, published by the Wenner-Gren Foundation for *Anthropological Research*, 1955.
۸. او این مادهٔ درسی را در نیم‌سال پاییزی ۱۹۴۷-۱۹۴۸ در بخش انسان‌شناسی دانشگاه ییل، در نیم‌سال پاییزی ۱۹۴۹-۱۹۵۰ در بخش روابط اجتماعی دانشگاه هاروارد، و در نیم‌سال بهاری ۱۹۵۷ در بخش انسان‌شناسی دانشگاه کالیفرنیا نیز تدریس کرده است.
9. Cf. «Energy and Evolution of Culture», *American Anthropologist*, vol.45, pp.335-356, 1943; «History, Evolutionism and Functionalism: Three Types of Interpretation of Culture», *South-Western Journal of Anthropology*, vol.1, pp.221-248, 1945; «Diffusion vs.Evolution: An Anti-evolutionist Fallacy», *American Anthropologist*, vol.47, pp.339-356, 1945; «Evolutionism in Cultural Anthropology: A Re-Evaluation of Cultures», *South-western Journal of Anthropology*, vol.3, pp.165-192, 1947; «Evolutionism and Anti-evolutionism in American Ethnological Theory», *The Calcutta Reviv*, vol.104, pp.147-159, and vol.105, pp.29-40 and 161-174, 1947 [published also in Portugese Translation in *Sociologia* (sao Paulo), vol.10, pp.1-39, 1948, and in Japanese Translation In *The Japanese Journal of Ethnology*, vol.15, pp.1-22. 1950].
10. R.H.Lowie, *History of Ethnological Theory*, 1937, p.289; Alexander Goldenwieser, «Four Phases of Anthropological Thought», *Papers and Proceedings, American Sociological Society*, vol.16, p.66, 1921; John W.Bennett, review in *American Anthropologist*, vol.47, p.451, 1945; Kazuo Nunomura, «On the Neo-evolutionist School», *Japanese Journal of Ethnology*, vol.14, no.4, 1949.